

تاثیر بازی در پرورش خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان پایه ابتدایی

فاطمه چنانی^۱، بهاره مرادی^۲، فاطمه لرزنگنه^۳، فائزه ناصری^۴

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه‌های فرهنگیان استان خوزستان.

^۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا^س

^۳ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا^س

^۴ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا^س

چکیده

پژوهش پیش رو در زمینه‌ی تاثیر بازی بر خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان ابتدایی و با هدف ارائه‌ی راهکارهایی برای افزایش خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان صورت گرفته و همچنین به تشریح بازی و اهمیت آن پرداخته است. در نگارش این مقاله، منابع علمی متعددی از جمله مقالات، گزارش‌ها، کتب مرتبط و . . . در زمینه‌ی خلاقیت و عزت نفس کودکان، مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت؛ و یافته‌های به دست آمده، همان گونه که انتظار می‌رفت، حاکی از تاثیر مثبت بازی بر رشد خلاقیت و بهبود عزت نفس کودکان بود. همچنین منابع مورد مطالعه راهکارهای مناسب را جهت کمک به تحقق این مهم، فراهم نمود. به دلیل قرار داشتن ۸۰ درصد دانش آموزان در دوره‌ی سنی کودکی نتایج به دست آمده به دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی تعمیم داده شد.

واژه‌های کلیدی: بازی، خلاقیت، عزت نفس، دانش آموزان.

۱- مقدمه

در هر جامعه‌ای درصد قابل توجهی از کودکان، نوجوانان و بزرگسالان با اختلال کمبود عزت نفس مواجه‌اند. این مشکل از رشد فرد در زمینه‌های مختلف، از جمله اجتماعی، فردی و عاطفی جلوگیری می‌کند. از پیامدهای کمبود عزت نفس، توقف رشد خلاقیت است؛ که به توقف در بسیاری از جنبه‌های رشدی فرد منجر می‌شود. از آنجایی که مرحله ۷ تا ۱۲ سالگی مهمترین مرحله زندگی انسان از نظر دریافت اطلاعات جدید، ارتباط با جامعه و ابراز شخصیت و رفتار درونی به اطرافیان به خصوص همسالان می‌باشد، پرورش خلاقیت و عزت نفس این گروه سنی (که در مقطع ابتدایی تحصیل می‌کنند) از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است؛ از اینرو همواره پرورش عزت نفس و خلاقیت در صدر اهداف سازمان‌های آموزشی و پرورشی جوامع و حتی خانواده‌ها قرار داشته است. کارشناسان و صاحب نظران تربیتی در مسیر احقاق این هدف روش‌های بسیاری را بررسی و آزمایش نمودند. یکی از مهمترین و اثرگذارترین راه‌ها، استفاده از بازی است. بازی به هرگونه فعالیت جسمی و یا ذهنی هدفداری گفته می‌شود که به صورت فردی یا گروهی قابل انجام است و موجب کسب لذت و برطرف نمودن نیازهای کودک می‌شود. به جرأت می‌توان عزت نفس و خلاقیت را از جمله مهمترین این نیازها تلقی کرد. در این مقاله به بررسی تأثیر بازی بر پرورش خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان مقطع ابتدایی می‌پردازیم. معرفی تعدادی از بازی‌های کاربردی نیز از اهداف این پژوهش می‌باشد. در پایان تحقیق به این نتیجه خواهیم رسید که انجام بازی‌های مناسب خلاقیت و عزت نفس را در دانش آموزان تقویت می‌کند. در نگارش این مقاله از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. منبع اطلاعات کسب شده شامل مقالات متعددی که در مجلات معتبر به ثبت رسیده‌اند و تعدادی کتاب مرتبط با موضوع می‌باشد. نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی که مورد استفاده قرار گرفت: یکی از روش‌های پرورش خلاقیت بازی است که به تأثیر آن در دوران کودکی تأکید وافر شده است. بازی در فرهنگ و بستر به معنی هرگونه فعالیت یا تمرین است که باعث لذت، سرگرمی، تفریح یا اشتغال باشد و یا فعالیتی است که نیاز کم و بیش به حرکت بدنی دارد و بر اساس برخی از سنت‌ها و یا قوانین مقرر انجام می‌شود. (محققی، ۱۳۹۶) از دیدگاه نظریه پردازان، «هماندسازی» در کودکان اساس عزت نفس را شکل می‌دهد و آنجا که یادگیری کودک با روحیه بازی کردن و تجربه همراه است و با تلاش‌ها، شکست‌ها، توفیق‌ها و تجربه کردن، درباره توانمندی‌های خود به باورهایی می‌رسد. (لویمی، صفرزاده، ۱۳۹۵).

تعریف بازی

بازی را چندین گونه تعریف کرده‌اند، دکتر سیامک رضا مهجور، با مطالعه و جمع‌بندی نظرهای سایر محققان، تعریف زیر را از بازی بیان داشته است: «هرگونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف داری که در اوقات فراغت یا اشتغال و برای کسب لذت، تمدد اعصاب، آرام بخشی جسم یا ذهن بازیگر و امتناع نیازهای آنی یا دراز مدت فرد یا گروه، چه به صورت انفرادی یا گروهی انجام گیرد، بازی نامیده می‌شود»

به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت: «بازی عبارتست از فعالیتی که بدون وجود نیروی خارجی زور و اجبار و کاملاً اختیاری و بدون هدف و منظور خاصی انجام می‌دهیم به طوری که انجام آن سبب آرامش و لذت گردد». بازی در فرهنگ و بستر به معنی هرگونه فعالیت یا تمرین است که باعث لذت، سرگرمی، تفریح یا اشتغال باشد و یا فعالیتی است که نیاز کم و بیش به حرکت بدنی دارد و بر اساس برخی از سنت‌ها و یا قوانین مقرر انجام می‌شود. یکی از ویژگی‌های برجسته بازی این است که از درون فرد برانگیخته می‌شود. فرضیه زیربنایی در نظریه تنظیم‌انگیزی در زمینه بازی کودکان این است که سطحی بهینه از

برانگیختگی دستگاه عصبی مرکزی وجود دارد که انسان تلاش می‌کند آن را حفظ کند. بنابراین محیط ایده‌آل نه تحریک بیش از حد و نه تحریک کمتر از حد فراهم می‌کند، بلکه تنها تا بدان اندازه فرد را تحریک می‌کند که در حد مطلوبی برانگیخته شود. عمل بازی دارای سه متغیر اصلی است که بر کیفیت آن تاثیر مستقیم دارند و عبارت‌اند از:

✓ نوع بازی

✓ زمان بازی

✓ نوع اسباب‌بازی

- **نوع بازی:** طبق رویکردها و تعاریف متعدد، بازی را به انواع مختلفی از جمله بازی‌های فردی و جمعی، بازی‌های قراردادی و غیرقراردادی و... تقسیم‌بندی نموده‌اند.

- **زمان بازی:** به مدت زمان صرف شده برای بازی از جانب کودک اطلاق می‌شود.

- **نوع اسباب‌بازی:** وسایل و ادوات بازی کودک که در طبقه‌بندی‌های مختلف هم‌چون اسباب‌بازی‌های فکری، مهارتی، سرگرمی و ورزشی جای می‌گیرند. (گینوت، ۲۰۰۸). در مطالب ذکر شده به شفاف‌سازی مفهوم بازی پرداخته شد؛ اما ذکر اهمیت بازی از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند بر تکمیل این مفهوم موثر باشد.

اهمیت بازی در پرورش کودک و فواید آن

امروزه ثابت شده است که کودکانی که به اندازه کافی و به درستی بازی نمی‌کنند از رشد ذهنی مناسب و رشد اجتماعی درست بی‌بهره هستند. ویلیام استون می‌نویسد: بازی گزینه‌ای برای رشد و نمو استعدادها و یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی است. در اسلام توصیه اکید به این موضوع شده است که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارید تا بازی کنند. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد، در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم مراقب او باش. در روایتی آمده است که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند، کودکان را در حال خاک بازی دیدند، برخی از یاران خواستند آنها را از بازی کردن باز دارند. پیامبر فرمودند: بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است. اسلام علاوه بر آنکه از واپس زدن این تمایل در کودکان جلوگیری می‌کند توصیه می‌نماید که پدران و مادران امکانات لازم برای بازی کودک را فراهم کنند و در هر موقعیت و مقام اجتماعی نیز که هستند وقتی را برای بازی با فرزندان خویش اختصاص دهند و خیال نکنند که در صورت بازی کردن با فرزندانشان اقتدار یا متانت آنان خدشه‌دار می‌شود. از دیدگاه ویجیناساکس، روان‌شناس بازی و بازی درمانگر معروف، بازی یکی از فعالیت‌ها و اهداف مهم کودک در زندگی است. او نمی‌تواند از راه دیگری غیر از بازی به کشف محیط پیرامون خود بپردازد. استعدادهای خود و توانایی‌هایش را شناسایی کند و آنها را بکار بگیرد. کودک در حین بازی به تمرین زندگی بزرگسالی می‌پردازد. همانطور که می‌بینید علی‌رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی‌فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه‌های ارائه شده از طرف اولیای دین، همیشه با انسان‌ها از هر تمدن و فرهنگی سازگار است. از جمله مواردی که در شیوه تربیت حضرت زهرا(س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست‌وخیز بدهند. بازی در دوران کودکی به منزله واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهای نهفته اوست که تاثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه کودک قابل توجه است.

همچنین بازی، در پرورش نیروی ابداع و ابتکار کودک بی‌نهایت موثر است. بنابراین غفلت از بازی به هیچ‌وجه به صلاح کودک و والدین او نیست. نقش بازی در زمینه رشد شناختی کودک، نخستین بار توسط روان‌شناسی به نام «پیاژه» مطرح شد. مطابق با نظر این روان‌شناس، بازی زمینه‌ساز رشد شناختی کودک و پیش‌نیازی برای کسب مهارت‌های مختلف در زندگی محسوب می‌شود. با توجه به این که بازی برای رشد روانی کودک مهم و حیاتی است. (اسرومن، ۲۰۰۴).

به‌طور خلاصه می‌توان اثرات بازی را اینگونه بیان کرد:

- کودک هنگام بازی بیشتر از هرچیز با اندام خود آشنا می‌شود؛ مانند بازی‌های اتل متل، تاپ تاپ خمیر، لی‌لی حوضک و...
- بازی کمک می‌کند تا حواس پنجگانه کودک تقویت شود. بسیاری از بازی‌ها همراه با تجربه و یا تقویت یکی از حواس پنجگانه است. هر قدر این حواس بهتر تقویت شوند، کودکان بهتر می‌توانند ببینند، بشوند، لمس کنند، بوبکشند و بیچشند.
- بازی کمک می‌کند تا کودک با محیط اطراف خود آشنا شود.
- بازی کمک می‌کند تا جسم کودک تقویت شود.
- بازی به تقویت فکر کودک کمک می‌کند.
- بازی به کودک کمک می‌کند تا روش شرکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی را یاد بگیرد.
- بازی کمک می‌کند تا کودک، مسائل و مشکلات خود را حل کند.
- بازی به رشد کلامی کودک کمک می‌کند.
- بازی به کودک فرصت می‌دهد تا هیجان و انرژی خود را مصرف کند.
- بازی به کودک فرصت می‌دهد تا با ارزش‌های زندگی آشنا شود.
- بازی، تخیل کودک را تقویت می‌کند.

کودک از طریق بازی مهارت‌های حل مسئله و خلاقیت را نیز فرا می‌گیرد و از طریق بازی‌های نمادین می‌تواند مشکلاتش را در فضایی امن تر تصور کند و راه‌حل‌های متفاوت آن را با هم مقایسه کند. با توجه به این توضیحات دیگر اهمیت و اثر بازی (که با توجه به نوع بازی می‌تواند مثبت یا منفی باشد) بر کودک و حتی در سنین نو نهالی غیرقابل انکار است. اما این پایانی بر فواید بازی نیست؛ از دیگر اثرات و فواید بازی، نوع عاطفی آن است. همان قدر که بازی فواید شناختی دارد، برای بهزیستی کودکان، فواید عاطفی را نیز به همراه دارد. بازی‌های تخیلی سهم بزرگی در خنده و شادی‌های کودکان دارد. چنین شادمانی کودک را از حالت خشک و ثابت بیرون می‌آورد. البته رضایت خاطر (خوشحالی) کودک بازتابی احساسی است که از خود دارد. هنگامی که فرزندان موقع بازی، در تصور خود، خرس عروسکی‌اش را زنده فرض می‌کند یا بعضی گول‌ها را می‌کشد یا اینکه وانمود می‌کند که مامور پست است، احساس برتری حاصل از آن به‌وضوح، شکوفا شدن اعتماد به نفس را نشان می‌دهد. بازی کردن راهی برای بیان احساسات است؛ چرا که به کودک این شانس را می‌دهد تا هیجانات منفی چون خشم، عصبانیت را خالی کند یا مفاهیم تلخی چون مرگ، بیماری و یا جدایی را درک کند. کودکی که به تازگی تحت عمل جراحی آپاندیس قرار گرفته، شاید هنگامی که به خانه برمی‌گردد، تجربه بیماری‌اش را با دکتر بازی نشان دهد. با این تفاوت که این بار او دکتر است و تمام امور تحت اختیار اوست؛ یا هنگام خشم ممکن است یک حیوان عروسکی را مثلاً به دلیل خطایی که مرتکب شده توبیخ کند و او را مورد عمل جراحی قرار دهد. با دوباره اجرا کردن چنین حوادثی ممکن و معکوس کردن نقش‌ها، کودک به تدریج در اثر بهبودی جراحات عاطفی، ترس یا خشم باقی مانده را از بین می‌برد. بازی به کودک کمک می‌کند با چنین وضعیت‌های ترسناکی مانند رفتن به مطب پزشک یا رفتن به مدرسه، کنار بیاید و بهتر برخورد کند. گاهی کودک در برخورد با چنین بحران‌هایی با خواهر،

برادر و هم بازی‌اش و یا حتی خانواده‌اش دکتر بازی می‌کند. شاید هم همه سربازها یا حیوانات عروسکی اش را جمع کند و وانمود کند که در مدرسه جلسه گرفته‌اند. بطور کلی باید گفت علاقه به مسابقه و بازی اضطراب را تسکین می‌دهد و تا حدودی آن را درمان می‌کند. بازی به کودک اجازه خشونت می‌دهد تا تخلیه شود، به عبارتی از طریق بازی می‌تواند خشم خود را خالی کند و این امر برای او نوعی پذیرش اجتماعی محسوب می‌شود. بازی و ایفای نقش قهرمان‌ها به او اجازه می‌دهد حس کند قوی شده است و نیز بازی، بچه‌ها را در میان احساسات قوی درونی‌شان توانا می‌سازد، احساساتی که ناپیدا است. لندرت معتقد است که بازی موجب می‌شود کودک احساسات و ارتباطات بیرونی‌اش را بیان کند و همچنین موجب توسعه‌ی تمایلات، مهارت‌های ارتباطی و افزایش شادی و سازگاری کودک با محیط اطرافش می‌شود (لندرت، ۲۰۱۲). موستاکاس معتقد است بازی در بطن خود دارای آزادی است؛ یعنی کودکان در حین بازی می‌توانند به صورت دلخواه و با آزادی کافی، به برون‌ریزی کامل دنیای درون خود بپردازند؛ آن نوع خودآشکارسازی که در نهایت باعث ارتقای بینش عاطفی، احساس ایمنی، شایستگی و ارزش می‌شود. (موستاکاس، ۱۹۹۷).

بسیاری از آموزش‌های تربیتی را می‌توان در خلال بازی‌ها به کودک نشان داد و به راحتی کودک را در مسیر درست تربیت نمود. همان‌طور که از خلال بازی‌های کودک نیز می‌توان به شرایط عاطفی کودک، احساسات و افکار او پی برد. بنابراین بسیار لازم است که مربیان به اهمیت بازی در زندگی کودک توجه داشته و شرایط مناسب را برای بازی‌های مناسب فراهم سازند. (میسکی، ۲۰۰۵). شخصیت کودک در ضمن بازی شکل می‌گیرد، دگرگونی‌های زیادی در روحیات و خلیقیات او روی می‌دهد و همه‌ی این‌ها تکامل و پیشرفت را برای کودک مهیا می‌کند. در میان انواع بازی، بازی‌های ابتکاری که آفریده‌ی خود کودکان هستند، اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا به شخصیت کودک شکل می‌دهند و وسیله خوبی برای تربیت او محسوب می‌شوند. (نانین و همکاران، ۲۰۰۹).

عده‌ای دیگر معتقدند که بازی راه را برای دوستی و مراوده میان کودکان هم‌سال می‌گشاید و کودک کم‌کم خود را عضوی از یک جمع احساس می‌کند و به ارزیابی منصفانه رفتار و کردار خویش و همبازی‌هایش می‌پردازد. در حین بازی، شخصیت کودک به سوی اتحاد و همکاری با همبازی‌ها شکل می‌گیرد و شور و شوق و احساس مسئولیت در او به وجود می‌آید. (گیلسون، ۲۰۰۳). بازی امکان تجربه و تعامل‌های مستقیم با عوامل محیطی را برای کودک فراهم می‌کند. بازی نه تنها بر رفتارهای هوشمندانه و قابل مشاهده‌ی کودک اثر دارد، بلکه بر ساخت فیزیولوژیکی مغز او تاثیر غیرقابل‌انکار دارد. (آن-ماریه و همکاران، ۲۰۰۹). کودکان با بازی کردن مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز را برای حضور در جامعه فرا می‌گیرند از جمله‌ی این مهارت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ✓ همیاری
- ✓ جرأت‌ورزی
- ✓ خویش‌داری
- ✓ مسئولیت‌پذیری
- ✓ کفایت‌تحصیلی

بازی در شخصیت‌سازی و رشد کودک نیز تأثیر فراوان دارد. بازی وسیله کسب تجربه‌های پرارزشی است که کودکان در خلال آن از جهت احساسی، اجتماعی و روانی رشد می‌کنند. الگوهای رفتاری آنان در بازی شکل می‌گیرد. این الگوها در سراسر عمر کودک سرمشقی مفید برای او خواهد شد. کودک به مدد بازی الگوهای بی‌شمار و درهم پیچیده و ظریف زندگی آدمی را درمی‌یابد. آن را تجربه و تمرین می‌کند و رابطه میان این الگوها را می‌سجد، تا آنها را فرا گیرد. از آن جهت که ناگزیر است در

سنین بزرگسالی با آنها روبرو شود و در جامعه آدمیان زیست کند. برنامه‌های حرکتی و بازی‌های هدفمند همراه با سایر فعالیت‌های تربیتی و پرورشی بستری مناسب برای تمرین و تکرار برخی از مفاهیم ذهنی و شناختی در دوره پیش دبستانی است. بازی وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و آموزش است و با آن می‌توان مفاهیم اولیه مانند وزن، جهت‌یابی، شکل کمیت و کیفیت، زمان و مکان و در مجموع ادراک فضا را به کودکان آموزش داد؛ زیرا آموزش نظری برای کودکان سنین پیش‌دبستانی خسته‌کننده است، ضمن آنکه کودکان این سنین در نیم دوره پیش عملیاتی هستند و درک مفاهیم نظری بدون عمل برای آنان میسر نیست و زمان بر است. طی سالیان گذشته، ارتباط میان فعالیت بدنی مانند بازی و حوزه شناختی، یعنی اندیشه و عمل مورد توجه محققان قرار گرفته است و مشخص شده که انجام دادن بازی‌های سازمان‌یافته تا چه حد در توانایی خوب-اندیشیدن مؤثر است. (جنسن، ۲۰۰۲).

عزت نفس در کودکان و اهمیت پرورش آن

از دیدگاه راجرز عزت نفس عبارت است از ارزیابی مداوم و مستمر فرد نسبت به ارزشمندی خود؛ به عبارتی عنصر اصلی سازه عزت نفس در فرد از دوران نوجوانی تا پیری، بر پایه «قضاوت و ارزیابی» شخص از خویش می‌باشد، اما در خصوص عزت نفس در کودکان با مفهوم فوق، تفاوت ظریفی وجود دارد: عزت نفس کودکان شبیه ابر لایه لایه‌ای است که روزانه تغییر شکل می‌دهد و شامل احساسات، باورها و آرزوهای پیچیده کودک براساس مهارت‌های در حال تغییر وی در اثر نفوذ دنیای اطرافش است و غالباً متأثر از «توصیف» دیگران از کودک می‌باشد، چرا که هنوز توانایی‌های پیچیده‌تر تفکر در آنان شکل نگرفته است، در واقع همچنان که کودکان از خود درکی پیدا می‌کنند و هویت خود را می‌یابند، تلویحا برای خصوصیات خود ارزش منفی یا مثبت قائل می‌شوند که این ارزشیابی غالباً براساس بازخورد رفتاری اطرافیان شکل می‌گیرد و مجموعه این ارزیابی‌هایی که کودک از خود می‌کند، عزت نفس او را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه نظریه‌پردازان «همانند سازی» در کودکان اساس عزت نفس را شکل می‌دهد و آنجا که یادگیری کودک با روحیه بازی کردن و تجربه همراه است و با تلاش‌ها، شکست‌ها، توفیق‌ها و تجربه کردن، درباره توانمندی‌های خود به باورهایی می‌رسد، در همان زمان، برای انجام دادن این کار، هر کودک یاد می‌گیرد که رشته‌ای از الگوها را در ذهن خود بسازد. عزت-نفس یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد شخصیت و شکوفایی انسان‌هاست و از آنجا که سطح عزت‌نفس در سلامت روحی و روانی نقش بسزایی دارد، روان‌شناسان بالینی و اجتماعی بر اهمیت عزت نفس تأکید دارند. (ذوالفقاری، ۱۳۷۷). عزت نفس میزان ارزشی است که ما به خود نسبت می‌دهیم. (ساند فرد و فرانک، ۱۹۹۹).

مزلو از عزت نفس به عنوان یک نیاز یاد کرده و بیان می‌کند که همه افراد جامعه ما (به غیر از برخی بیماران به یک ارزشمندی ثابت و استوار و معمولاً عالی از خود رسیده‌اند و به احترام به خود یا عزت نفس یا احترام به دیگران تمایل یا نیاز دارند. (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). نیاز به عزت نفس یا خود ارزشمندی و احترام به خود از جمله نیازهای طبیعی انسان است، انسان موجودی است به طور ذاتی اجتماعی، زمانی که نیاز به احترام به خود ارضا شود، انسان احساس خوشایندی از اعتماد به نفس و خودارزشمندی، توانایی، قابلیت، لیاقت و کفایت پیدا می‌کند و وجود خود را در زندگی مفید، مؤثر و مولد می‌یابد. (افروز، ۱۳۷۹). به طور کلی سطح عزت نفس بر چگونگی رابطه با دیگران و سلامت روانی ما تأثیر زیادی دارد. عزت نفس یک ضرورت حیاتی برای هر انسان است و برای رشد طبیعی و سالم لازم است. (شیهان، ترجمه گنجی، ۱۳۸۷). کسانی که عزت نفس بالایی دارند در مقایسه با کسانی که از عزت نفس پایینی برخوردارند، بهتر با موقعیت‌های مختلف سازگار می‌شوند. (فیلدا، ترجمه گنجی، ۱۳۸۰).

عزت نفس بالا تا حدودی بعضی مسائل و مشکلات دوران کودکی را جبران می‌کند. کودکی که احساس خوبی در مورد خود دارد، بهتر با مشکلات کنار می‌آید، وی ممکن است به گونه‌ای با آنها روبه‌رو شود که گویی هرگز مشکلات عمده‌ای برایش به وجود نیامده است. با توجه به تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی اهمیت عزت نفس در کودکان، می‌توان به این مهم پی برد که پرورش عزت نفس باید در طراحی واحد‌های درسی گنجانده شود. بعد از خانواده مهم‌ترین نهاد تربیتی در جامعه، مدرسه است و تاثیر آن بر پرورش ویژگی‌های مثبت کودکان و نونهالان و کاهش آسیب‌های تربیتی وارد شده به آنها غیرقابل انکار است. یک معلم می‌تواند با توجه کردن به شیوه‌های نوین افزایش اعتماد به نفس در کودکان و به کارگیری آنها، نقش مهمی در سرنوشت دانش‌آموزان ایجاد کند. نخستین گام در پرورش اعتماد به نفس این است که کودک بداند چه توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی دارد. چنانچه این تصور در کودک فراهم آید که به چه چیزهایی علاقه‌مند است و چگونه باید به آنها فکر کند، قدم مهمی در راه کشف خویشتن برداشته است. اعتماد به نفس با عواملی مثل عزت‌نفس، پذیرش نامشروط خود، توانایی خطرکردن، نیاز نداشتن به تأیید دیگران، احترام به خود و دیگران، تحمل کردن شکست و پیشرفت تحصیلی در ارتباط مستقیم است.

خلاقیت در کودکان و اهمیت پرورش آن

آخرین وجه تفکر خلاقیت است. خلاقیت عبارت است از استعداد و قابلیت انسان در تولید اثرهای ابتکاری، نوآورانه و سودبخش. (استرنبرگ و لوبارته، ۸۵: ۱۹۹۹). به نظر روان‌شناسان آمریکایی، هوش و خلاقیت دو سازه‌ی متمایز هستند، اما روان‌شناسان انگلیسی مانند برت و ورنون عقیده دارند که خلاقیت، مستلزم برخورداری از درجه‌ی معینی از هوش بالا است. (پاشا شریفی، ۱۴: ۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وجه تمایز و برتری انسان از دیگر موجودات، خلاقیت است. اندیشه خلاق، قابلیت است که می‌توان آن را در تمامی ابعاد زندگی انسان مشاهده کرد. انسان به وسیله همین تفکر خلاق می‌تواند توانمندی‌های خود را افزایش دهد، مسائل و مشکلاتش را حل کند و به سوی کمال و ترقی پیش رود. امروزه، عقیده روان‌شناسان بر این است که خلاقیت، ذاتی یا فطری نبوده؛ بلکه می‌تواند اکتسابی باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تجزیه و تحلیل منطقی، نقد و سرانجام خلاقیت به دنبال یکدیگر می‌آیند. به عبارت دیگر، تفکر منطقی، انتقادی و خلاق، ابعدی منفک از یکدیگر نبوده؛ بلکه وجوهی از یک امر واحد هستند که در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. با این نتیجه‌گیری می‌توان فهمید که چرا در سنت غرب، تفکر انتقادی را از قدیم با منطق یکی می‌دانستند و یا برخی از صاحب‌نظران معاصر در این حوزه، تفکر انتقادی را بر اساس توانایی حل مسئله تعریف می‌کنند. (مایرز، ۱۳۷۴: ۱۰). خلاقیت بیشتر به عنوان توانایی تولید پاسخ‌های جدید و مفید تعریف می‌شود (Zabelina & et al, 2019) این مفهوم شامل توانایی بازسازی معلومات و دانش قبلی با توجه به اطلاعات جدید و ایجاد مفهوم جدید یا ایده اصلی است.

با توجه به پیچیدگی مفهوم خلاقیت و اهمیت روزافزون آن در زندگی بشر می‌توان گفت تمدن بشر مدیون اندیشه خلاق آدمی بوده و دوام آن نیز بدون بهره‌گیری از خلاقیت ممکن نخواهد بود و این سازه عالی‌ترین عملکرد ذهن انسان محسوب می‌شود. (Yakhchali ۲۰۱۰) به نقل از Torance (۱۹۶۵) بیان می‌دارد که کودکان، خلاق به دنیا می‌آیند، اما خلاقیت بسیاری از آنان در حدود ده‌سالگی افت می‌کند که علت آن را می‌توان در محیط‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، بی‌توجهی به آموزش و پرورش پویا و خلاق به ویژه در سنین دبستانی و پیش دبستانی به عنوان عامل اساسی مطرح نمود. این مطلب اهمیت توجه به پرورش خلاقیت در مدارس را به خوبی نشان می‌دهد و ضرورت یادگیری در این زمینه را برای معلمان و مسئولین آموزشی و

پرورشی آشکار می‌سازد. خلاقیت و تفکر خلاق از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است که در بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی او قرار دارد و از ارزشمندترین غایت‌های پرورشی و هدف‌های آموزشی به شمار می‌آید. (سلیمانی، ۱۳۸۱). از طریق آموزش می‌توان به کودکان آموخت که به راه‌های غیر معمول فکر کرده و از طریق تفکر واگرا به بررسی مشکلات خود پرداخته و به راه حل‌های مناسب دست یابند. بنابراین در این حیطة لازم است به مربیان آگاهی لازم داده شود که جریان خلاقیت، جریانی از قبل ساخته شده نیست؛ بلکه روندی زاینده و قابل تغییر می‌باشد. (مفیدی، ۱۳۷۲).

نوآوری و آفرینندگی، زمینه‌های لازم را برای رشد خلاقیت در کودکان را فراهم می‌آورد. تحقیقات نشان داده مردان و زنانی که در اوایل بزرگسالی پیشرفت و خلاقیت نشان می‌دهند در دوران کودکی بیشتر خیال پردازی و بازی کرده‌اند، اغلب دوستان خیالی داشته‌اند، والدینشان برای آنان قصه می‌گفته‌اند و با آنان بازی‌های پانتومیم انجام می‌داده‌اند. (۱۳۸۷، علیزاده ترجمه، ۲۰۰۱).

ما نمی‌توانیم به افراد و کارهای خلاقانه آنان جدا از اجتماعی که در آن فعالیت می‌کنند بپردازیم؛ زیرا خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست. بنابراین محیط نقش بسزایی در ظهور خلاقیت دارد. خلاقیت قابلیت است که در همگان وجود دارد، اما نیازمند پرورش و تقویت می‌باشد تا به سر حد شکوفایی برسد.

خانواده یکی از بسترهای مهم در رشد و پرورش خلاقیت می‌باشد. از آنجا که کودک حساس‌ترین مراحل رشد خلاقیت را در محیط خانه سپری می‌کند. محیط مناسب خانوادگی در رشد و شکوفایی خلاقیت سهم مهمی ایفا می‌کند. (۱۹۸۹، CCsikszenmihalyi). از این مطلب چنان برداشت می‌شود که عوامل بهبود دهنده‌ی خلاقیت در مدرسه بدون کمک و همکاری والدین به طور موثر به نتیجه نخواهد رسید. پیاز (۱۹۶۲) هم عقیده دارد که کودکان به هنگام بازی، فعالانه یاد می‌گیرند و زمانی که مشغول بازی‌های وانمودی یا تجسمی هستند، یادگیری آنها در مؤثرترین وضعیت قرار دارد؛ چرا که آنها درگیر نوعی تفکر عمیق هستند که باعث می‌شود خلاقیت در کودک افزایش پیدا کند. بازی وانمودی زمانی روی می‌دهد که کودک وانمود می‌کند فرد یا چیز خاصی است. با توجه به گفته پیاز، محقق در تبیین این فرضیه عنوان کرده است بازی وانمودی باعث می‌شود کودک راه حل‌های مختلف را بسنجد به راه‌های غیر معمولی فکر کنند و از طریق تفکر واگرا به بررسی پرداخته و به راه حل‌های مناسب دست یابد و به کودک در بیان آرزوها، امیدها و تخیلاتش و بر موقعیت‌هایی که در زندگی واقعی او را آزار می‌دهد پیروز آید.

بازی‌های وانمودی را می‌توان در تدریس تمام دروس به کار گرفت و به راحتی یک گام مهم در جهت افزایش خلاقیت دانش آموزان برداشت؛ برای مثال، در تدریس ریاضی می‌توان از دانش آموز خواست تا نقش عملیات‌های ریاضی را ایفا کند یا به همراه هم گروهی‌هایش به جای شخصیت‌های مسئله قرار گیرد. همچنین در تدریس علوم می‌توان نمایشی طراحی کرد که شخصیت‌های آن مفاهیم مهم درس هستند (به طوری که قابل اجرا باشد، مثل نقش خورشید، گیاه و . . .) و از دانش آموزان خواست که آن را در کلاس اجرا کنند. در اجرای روش‌های پرورش خلاقیت باید در نظر داشت که آنچه کودک انجام می‌دهد و یا می‌گوید می‌تواند خلاقیت به حساب آید در صورتی که دوضابطه را تامین کند:

اول: آن که اساسا باید با کارهایی که کودک قبلا انجام داده یا تمام چیزهایی که قبلا دیده و شنیده است، متفاوت باشد.
دوم: آن که نباید فقط متفاوت باشد؛ بلکه باید صحیح بوده و در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و به طریقی برای کودک جذابیت داشته و معنی‌دار باشد. همچنین توجه نمود که بهترین زمان برای اطلاع از خلاقیت کودکان تماشای آنها به هنگام بازی است. خلاقیت عامل مهم بازی است. کودکان خلاق اغلب برای هریک از وسایل بازی خود موارد استفاده متفاوتی

پیدا می‌کنند و قبل از اینکه از وسیله‌ای به سراغ وسیله‌ی دیگر بروند از آن به انواع مختلف استفاده مینمایند. کودک خلاق اغلب از منابع خود به انواع و اشکال مختلف و گاه حیرت‌انگیز استفاده می‌کند. ممکن است یک جعبه خالی برای کودک خلاق ارزشی به مراتب بیش از بهترین و پیچیده‌ترین اسباب‌بازی‌ها داشته باشد.

تأثیر بازی بر خلاقیت و عزت‌نفس دانش‌آموزان ابتدایی

نتایج نشان داد که بازی درمانی خلاقیت‌محور بر عزت‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین، براساس نتایج حاصله از یک پژوهش که با هدف بررسی میزان تأثیر بازی‌درمانی خلاقیت‌محور بر میزان کمرویی و عزت‌نفس صورت پذیرفت، بازی درمانی خلاقیت‌محور توانست میزان کمرویی دانش‌آموزان کمرو را با استفاده از بازی به طور معنی‌داری کاهش دهد. ($P < 0.05$). بر این اساس، بازی درمانی خلاقیت‌محور می‌تواند نقش مهمی در افزایش خلاقیت و عزت‌نفس و کاهش میزان کمرویی کودکان ایفا نموده و در مداخلات مربوط به کمرویی کودکان مورد استفاده قرار گرفته شود. بازی با دیگران و بازی با وسایل بازی متنوع می‌تواند مهارت‌های اجتماعی کودکان و توانایی آنها را در همکاری و همدلی کردن با دیگران افزایش دهد و از این طریق عزت‌نفس کودک را افزایش دهد (منیول، ۲۰۱۱). بازی درمانی به عنوان یک تکنیک شناختی-هیجانی می‌تواند از طریق افزایش توانمندی‌های کودک در بازی، مهارت‌های او را در اشکال فردی و بین فردی افزایش داده و در نهایت به افزایش عزت‌نفس وی بی‌انجامد (کنل، ۱۹۹۹). بنابراین بازی‌درمانی با افزایش خلاقیت کودکان می‌تواند عزت‌نفسشان را نیز بهبود دهد. نتایج نشان داد که بازی‌درمانی خلاقیت‌محور بر خلاقیت کودکان کمرویی مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

این یافته با نتایج پژوهش‌های رادبخش و همکاران (۱۳۹۲)؛ میرصادقی (۱۳۸۵)؛ ریزی و همکاران، (۲۰۲۰) کاواچا و همکاران، (۲۰۱۹) همسو است. برای مثال، رادبخش و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه دست یافتند که استفاده از روش‌های بازی و قصه‌گویی، با از بین بردن موانع خلاقیت، سکون فکری و کمک به حل مسائل با روندی لذت‌بخش و سرگرم‌کننده موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود.

به همین دلیل دانش‌آموزانی که در جلسات بازی و قصه‌گویی حضور می‌یابند، در یافتن راه‌حل‌های اصیل و جدید برای مسائل موفقتر هستند. همچنین میرصادقی (۱۳۸۵) نیز نشان داد که بازی‌کردن، باعث آمادگی روانی و فیزیکی در کودکان می‌شود تا برای یادگیری و پذیرش آماده شوند؛ یعنی نیروهای روانی و فیزیکی را برای به دست آوردن موفقیت فعال می‌کند. لندرت معتقد است که بازی موجب می‌شود کودک احساسات و ارتباطات بیرونی‌اش را بیان کند و همچنین موجب توسعه‌ی تمایلات، مهارت‌های ارتباطی و افزایش شادی و سازگاری کودک با محیط اطرافش می‌شود (لندرت، ۲۰۱۲). موستاکاس معتقد است بازی در بطن خود دارای آزادی است؛ یعنی کودکان در حین بازی می‌توانند به صورت دلخواه و با آزادی کافی، به برون‌ریزی کامل دنیای درون خود پردازند؛ آن نوع خودآشکارسازی که در نهایت باعث ارتقای بینش عاطفی، احساس ایمنی، شایستگی و ارزش می‌شود. (موستاکاس، ۱۹۹۷)؛ تجاربی که با خلاقیت در ارتباط است. زیربنای بازی‌درمانی در آنجا نهفته است که عمیق‌ترین افکار و احساسات بشر از ضمیر ناخودآگاه او بیشتر از آن که در قالب کلمات بتوانند بیان شوند، در حرکات متجلی می‌شوند.

بنابراین، بازی‌درمانی می‌تواند از طریق ایفای نقش، انجام حرکات مختلف و استفاده از وسایل و ابزارها به‌عنوان یک روش درمانی در افزایش عزت‌نفس و خلاقیت در دانش‌آموزان استفاده شود تا میزان کمرویی کودکان کاهش یابد (بیرنگ، علیوندی وفا، ۱۳۹۹). بازی در شخصیت‌سازی و رشد کودک نیز تأثیر فراوان دارد. بازی وسیله کسب تجربه‌های پرارزشی است که

کودکان در خلال آن از جهت احساسی، اجتماعی و روانی رشد می‌کنند. الگوهای رفتاری آنان در بازی شکل می‌گیرد. این الگوها در سراسر عمر کودک سرمشقی مفید برای او خواهد شد. کودک به مدد بازی الگوهای بی‌شمار و درهم پیچیده و ظریف زندگی آدمی را در می‌یابد، آن را تجربه و تمرین می‌کند و رابطه میان این الگوها را می‌سنجد، تا آنها را فرا گیرد. از آن جهت که ناگزیر است در سنین بزرگسالی با آنها روبرو شود و در جامعه آدمیان زیست کند. نقش بازی در زمینه رشد شناختی کودک، نخستین بار توسط روان‌شناسی به نام «پیازه» مطرح شد. مطابق با نظر این روان‌شناس، بازی زمینه‌ساز رشد شناختی کودک و پیش‌نیازی برای کسب مهارت‌های مختلف در زندگی محسوب می‌شود. همانقدر که بازی فواید شناختی دارد، برای بهزیستی کودکان، فواید عاطفی را نیز به همراه دارد. بازی‌های تخیلی سهم بزرگی در خنده و شادی‌های کودکان دارد. چنین شادمانی کودک را از حالت خشک و ثابت بیرون می‌آورد.

توجه به این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که یکی از راه‌های افزایش یادگیری و بازده در دانش آموز، فراهم نمودن محیطی است که در آن احساس نشاط و شادی داشته باشد. حتی در این مورد نیز عزت نفس دانش‌آموز نقش مهمی ایفا می‌کند چرا که رضایت خاطر (خوشحالی) کودک بازتابی احساسی است که از خود دارد. بهترین بازی، آن است که عزت نفس را در کودک به جریان اندازد. بازی به بچه‌ها اجازه می‌دهد تا با شرایط کنار بیایند، از این رو موجب توانمندی و موفقیت در بزرگسالی می‌شود، هنگامی که فرزندان موقع بازی، در تصور خود، خرس عروسکی‌اش را زنده فرض می‌کند یا بعضی غولها را می‌کشد یا اینکه وانمود می‌کند که مامور پست است، احساس برتری حاصل از آن به وضوح، شکوفا شدن اعتماد به نفس را نشان می‌دهد. از طریق بازی مهارت‌های حل مسئله و خلاقیت را نیز فرا می‌گیرد و از طریق بازی‌های نمادین می‌تواند مشکلاتش را در فضایی امن‌تر تصور کند و راه‌حل‌های متفاوت آن را با هم مقایسه کند.

طراحی واحد درسی مبتنی بر افزایش خلاقیت و عزت نفس با استفاده از بازی

از جمله خرده‌فعالیت‌هایی که معلم قادر است جهت افزایش خلاقیت در برنامه‌ریزی برای تدریس بگنجاند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- معلم اشیاء مختلف را مطرح می‌کند و دانش‌آموزان کاربردهای مختلف آن را نام می‌برند و در نهایت پاسخ‌های بدیع و خلاقانه تقویت می‌گردد. (خدایاری‌فردوپرد، ۱۳۸۸).
- ۲- از دانش‌آموزان سؤالاتی پرسیده می‌شود که پاسخ منحصر به فردی ندارد و پاسخ‌های خلاقانه تشویق می‌شود.
- ۳- چند کلمه به دانش‌آموزان داده می‌شود، سپس کودکان باید با به کار بردن این کلمات متن طنزی بنویسند (پرنیانی، ۱۳۸۲).
- ۴- جملات نیمه تمام توسط معلم بیان می‌گردد و دانش‌آموزان باید آنها را با پاسخ‌های خلاقانه به پایان برسانند.
- ۵- معلم چند شیء را نام می‌برد سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد آن شیء را رسم کرده و تبدیل به یک موجود زنده بکنند، مثال: به نظر شما تلفن شبیه چه موجودی است، آن را رسم کنید؟ (آذر، ۱۳۸۰).
- ۶- معلم کودکان را به چهار گروه تقسیم می‌کند و داستان کوتاهی را در اختیار هر گروه قرار می‌دهد. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد هر کدام نقشی را پذیرفته و متن داستان را برای هم کلاسی‌های خود نمایش دهند. همچنین برنامه‌های حرکتی و بازی‌های هدفمند همراه با سایر فعالیت‌های تربیتی و پرورشی بستری مناسب برای تمرین و تکرار برخی از مفاهیم ذهنی و شناختی در دوره پیش‌دبستانی است. بازی وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و آموزش است و با آن می‌توان مفاهیم اولیه مانند

وزن، جهت‌یابی، شکل‌کمیت و کیفیت، زمان و مکان و در مجموع ادراک فضا را به کودکان آموزش داد، زیرا آموزش نظری برای کودکان سنین پیش دبستانی خسته‌کننده است، ضمن آنکه کودکان این سنین در نیم دوره پیش عملیاتی هستند و درک مفاهیم نظری بدون عمل برای آنان میسر نیست و زمان بر است. طی سالیان گذشته، ارتباط میان فعالیت بدنی مانند بازی و حوزه شناختی، یعنی اندیشه و عمل مورد توجه محققان قرار گرفته است و مشخص شده که انجام دادن بازیهای سازمان‌یافته تا چه حد در توانایی خوب اندیشیدن مؤثر است. (جنسن، ۲۰۰۲). تحقیقات نشان می‌دهد، بازی‌هایی از قبیل خاک بازی یا شن بازی، در صورتی که تحت نظارت و کنترل والدین انجام گیرد، در تخلیه انرژی و پویایی ذهن کودکان نقش مؤثری دارد در نتیجه کودک محیطی امن برای ابراز خود و افزایش عزت نفس می‌یابد. اینگونه فعالیت‌ها باید توسط معلم برای والدین تشریح شود تا فرآیند بهبود عزت نفس کودک کامل شود. حتی ساده‌ترین بازی‌ها نیز می‌توانند در بهبود خلاقیت موثر واقع شوند؛ برای مثال، در بازی توپ بازی، کودکان در بازی پرتاب توپ در اثر تمرین و تکرار و انجام آزمون‌های مختلف، مناسبترین و کوتاه‌ترین راه را برای پرتاب یا رسیدن به توپ انتخاب می‌کنند. در بازی‌های اکتشافی، مانند قایم باشک یا پازل، کودک راه‌های مختلف را امتحان کرده و بهترین گزینه را انتخاب می‌کند. اینگونه بازی‌ها، توانمندی‌های ذهنی کودک را افزایش داده و روش‌های حل مسئله را به او آموزش می‌دهد.

بازی‌های سازنده مانند خانه‌سازی با مکعب‌های کوچک، مهارت‌های عملی و روش‌های کاربردی و استفاده از اشیاء را به کودک آموزش می‌دهد. بازی‌های گروهی که اغلب کودکان نقش‌های بزرگترها را به عهده می‌گیرند، بهترین روش برای افزایش مهارت‌های اجتماعی کودک است. بد نیست بدانید کودکان به محض این که از چند روزگی، نسبت به محیط اطرافشان آگاه می‌شوند، نحوه حرکت و کارکرد هر شیء، برای آنها جالب می‌شود و قادر خواهند بود، مدت‌ها با اشیاء سرگرم شوند و از طریق همین سرگرم شدن است که مهارت‌های اجتماعی را تمرین کرده و تفکر خلاق را می‌آموزند و از کشفیات خود لذت می‌برند. ورزش‌های فردی یا گروهی، بازی‌های کامپیوتری و ویدئویی و یا حتی بازی‌های فکری، نباید جایگزین بازی‌های متداول مانند: قایم باشک، بگرد و پیدا کن و یا حتی بازی با ماشین و عروسک‌ها شود. البته باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت در نظر والدین، بازی نباید مبدل به یک «باید» برای کودک شود و ساعتی خاص به آن اختصاص یابد. کودک بازی می‌کند و از این کار لذت می‌برد؛ زیرا چنین تفریحاتی برای او حالت خودانگیخته دارد، نه این که مانند یک تکلیف از پیش تعیین شده، انجام آن برای او از قبل مقرر شده باشد. تنها نقش مؤثری که والدین می‌توانند در مورد بازی کودک ایفا کنند، تشویق او و فراهم آوردن امکانات بازی، در حد مقدور است. باقی را باید به عهده خود او گذاشت. در طی جلساتی که با اولیای دانش‌آموزان برگزار می‌شود، می‌توان این نکات را به آنان یادآور شد. در محیط کلاس و در ضمن انجام تدریس می‌توان از نمایش و بازی‌های نمادین استفاده کرد. دانش آموز با اجرای این فعالیت‌ها در جمع کلاسی، علاوه بر یادگیری عمیق‌تر، به توانایی خود باور پیدا می‌کند؛ که در نهایت منجر به ارتقاء سطح عزت‌نفس او می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، بررسی تاثیر بازی بر خلاقیت و عزت نفس دانش‌آموزان ابتدایی بوده و از آنجایی که ۸۰ درصد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در سنین کودکی قرار دارند، می‌توان نتایج به دست آمده از مطالعات صورت گرفته روی کودکان را، تا حدود زیادی، به آنان نیز تعمیم داد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ارزش بازی در زندگی کودک را می‌توان در جنبه‌های هوشی، حسی، حرکتی، عاطفی و روانی مورد بررسی قرار داد. همچنین، بازی در شخصیت‌سازی و رشد کودک نیز تأثیر

فراوان دارد. بازی وسیله‌ی کسب تجربه‌های پرارزشی است که کودکان در خلال آن از جهت احساسی، اجتماعی و روانی رشد میکنند. یکی از جنبه‌های رشد، ارتقاء سطح خلاقیت و عزت نفس می‌باشد که بر اساس نتایج به دست آمده تاثیر مثبت بازی بر این مسئله غیر قابل انکار است؛ چرا که الگوهای رفتاری آنان در بازی شکل می‌گیرد و کودک به مدد بازی الگوهای بی‌شمار و درهم پیچیده و ظریف زندگی آدمی را در می‌یابد، آنها را تجربه و تمرین میکند و رابطه میان این الگوها را می‌سنجد، تا آنها را فراگیرد.

بر اساس مطالعات صورت گرفته می‌توان پی برد که کودک از طریق بازی مهر و علاقه و خشم و کینه، تنش‌ها، ناکامی‌ها، ناامنی‌ها، ترس‌ها و آشفتگی‌های خود را به نمایش می‌گذارد و از این طریق به نوعی آرامش عاطفی دست می‌یابد؛ این آرامش و تنش زدایی‌ها موجب تقویت عزت نفس کودک می‌شود و راه را برای پرورش خلاقیت هموار می‌کند. از راهکارهای به دست آمده جهت افزایش خلاقیت و عزت نفس دانش آموزان می‌توان به انجام بازی‌های وانمودی در جمع‌های کلاسی اشاره کرد. خلاقیت کودکان به وسیله آموزش بازی‌های وانمودی افزایش پیدا می‌کند و انجام آنها در حضور جمع، عزت نفس را بهبود می‌بخشد؛ به طوری که در طول زمان پایدار می‌ماند.

همچنین طرح سوالاتی که پاسخ مشخصی ندارند و ذهن دانش‌آموز را به تکاپو وا می‌دارند، در افزایش خلاقیت آنان تاثیر بسزایی دارد. بر اساس اطلاعاتی که در زمینه‌ی اهمیت بازی به دست آمد، تکامل مراحل شناختی و مهارت‌های کودک ارتباط تنگاتنگی با بازی‌هایی که انجام می‌دهد دارد. پس ضروری است که به بازی کردن کودکان توجه ویژه‌ای شود و بازی کردن را فقط برای وقت تلف کردن کودک در نظر نگرفت. همچنین توجه به این نکته‌ی مهم که معلمان و والدین باید سعی کنند که درک درستی از مفهوم بازی پیدا کنند تا بتوانند کودک را به سوی تاثیرات مثبت بازی سوق دهند، ضروری دانسته می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. آقاجان، طهمورث و همکاران (۱۳۹۳). تاثیر بازی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان (مورد مطالعه: کودکان مقطع مهد کودک استان تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره سوم.
۲. ارتقای عزت‌نفس کودکان از طریق بازی. (۱۳۹۸). برگرفته از: <https://mindtoolbox.ir/article/6897/>
۳. اثنی‌عشری، ندا و همکاران. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش خلاقیت با استفاده از الگو بر اعتماد به نفس و توانایی حل مسئله کودکان، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. سال ۵۹، شماره ۵. آذر- دی ۹۵، صص ۳۲۱-۳۱۱.
۴. بندک، موسیو همکاران. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش خلاقیت کودکان دبستان، شماره ۱، صص ۲۰۰-۱۸۹.
- پارسامنش، فریبا، صبحی قراملکی، ناصر (۱۳۹۲). تأثیر بازی‌های وانمودی شعر بر پرورش خلاقیت کودکان. شماره ۴، صص ۱۵۷-۱۴۱.
۵. حسنی، فریبا، محمودی، غلامرضا، تهرانی، ندا (۱۳۹۲). اثربخشی لگو آموزشی بر افزایش هوش عملی و خلاقیت کودکان پیش دبستانی.
۶. راد بخش، ناهیدو همکاران. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه گویی بر افزایش خلاقیت کودکان.
۷. شمشیری، بابک (۱۳۸۶). تبیین عناصر بنیادی پرورش تفکر. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س). دوره‌ی ۳، شماره ۳ و ۴. پائیز و زمستان ۱۳۸۶. صص ۴۱-۶۰.

۸. صالحی، لقمانو همکاران (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی هنر- بازی درمانی و آموزش ذهن آگاهی بر خلاقیت دانش آموزان پسر دوره ابتدایی، فصلنامه علمی تدریس پژوهی سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰. صص ۳۰۱-۳۲۵.
۹. علیوندی وفا، مرضیه، بیرنگ، نسرین (۱۳۹۹). اثربخشی بازی درمانی خلاقیت محور بر عزت نفس، خلاقیت و کمرویی دانش آموزان کمروزی مقطع ابتدایی، نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، سال ۱۳، شماره ۵۲، صص ۱۳۷-۱۵۹.
۱۰. لویمی، فاطمه، صفرزاده، سحر (۱۳۹۵). اثربخشی قصه درمانی بر کمرویی، افسردگی و عزت نفس کودکان پیش دبستانی شهرستان اهواز، مجله پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره سال ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۳۲-۴۷.
۱۱. محقق، حسین، یعقوبی، ابوالقاسم، قایمی، ساره (۱۳۹۵). تأثیر بازی با حروف الفبای فارسی بر خلاقیت دانش آموزان پایه سوم، پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۱۳)، صص ۳۸-۲۳.
۱۲. مددی زواره و همکاران (۱۳۸۶). تأثیر بازی بر عزت نفس دانش آموزان «۶ تا ۱۱ ساله» نابینای ابابصیر اصفهان. شماره ۳۳، صص ۱-۱۴.
۱۳. نظری، ع (۱۳۹۰). رابطه بازی با خلاقیت، برگرفته از: <http://www.koodakhallagh.blogfa.com/post/>

The effect of play on fostering creativity and self-esteem of elementary school students

Fatemeh Chenani¹, Bahareh Moradi², Fatemeh Larzanganeh³, Faezeh Nasser⁴

¹ Doctor of Persian Language and Literature, Secretary of Education of Shush Secondary School, Lecturer of Farhangian Universities of Khuzestan Province

² Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

³ Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

⁴ Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

Abstract

The present study has been conducted on the effect of play on creativity and self-esteem of elementary students with the aim of providing strategies to increase students' creativity and self-esteem and also explains the game and its importance. In writing this article, several scientific sources including articles, reports, related books, etc. In the field of children's creativity and self-esteem, they were reviewed and interpreted, and the findings, as expected, showed a positive effect of play on creativity development and improving children's self-esteem. Also, the studied resources provided appropriate solutions to help achieve this important. Due to 80% of students in childhood age, the results were generalized to elementary school students

Keywords: Play, Creativity, Self-esteem, Students.
